

تحلیل انتقادی دیدگاه مفسران قرآن پیرامون

آیه: «قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ»

کرم سیاوشی*

چکیده

درباره تفسیر آیه شریفه ۴۱ سوره حجر تاکنون تفسیر صحیحی از سوی مفسران ارائه نشده است و این آیه محل تشتت آرای مفسران است. منشأ اساسی اختلافات مفسران فریقین در این آیه به چپستی تفسیر کلمات «هذا» و «علی» باز می‌گردد. در این مقاله ضمن ارائه قرائت‌های مختلف از این آیه و نقد و بررسی آنها، دیدگاه‌های چهارگانه مفسران نیز بررسی شده است که بسیاری از تفسیرهای ارائه شده نارسا و نادرست است. به نظر می‌رسد مفسرانی که مشار الیه «هذا» را «اخلاص ورزی» و یا «سنت الهی» دانسته‌اند و «علی» را به معنای «قضا و سنت الهی» تفسیر کرده‌اند، راه صواب را طی نموده‌اند.

واژگان کلیدی

تفسیر قرآن، نقد تفاسیر، تحلیل انتقادی، آیه ۴۱ حجر.

karam.siyavoshi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۱

*. استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۸

طرح مسئله

آیه کریمه: «قالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» (حجر / ۴۱) در بافت به هم پیوسته مجموعه‌ای از آیات قرار دارد که بر روی هم گزارشگر حادثه‌ای تاریخی - البته فراتر از تاریخ زندگی زمینی بشر - است. ماجرای آفرینش انسان و دستور خداوند به فرشتگان برای سجده بر وی و آنگاه نمایان شدن یک مانع و بروز یک تهدید و رجز خوانی جدی از سوی یک مخالف در برابر حق تعالی و سپس پاسخ سریع و صریح خداوند به این مخالف سرسخت و لجوج است:

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ * فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ * فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ * إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ * قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ * قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِمِشْرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ * قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاجِمٌ * وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ * قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ * قَالَ رَبِّ بَاعْ أَعْيُنِي لِأُرِينَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ * قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ * إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ * وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ * لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ. (حجر / ۴۴ - ۲۸)

در ارتباط با تفسیر صحیح این آیه تاکنون هیچ‌گونه تحقیق تطبیقی و مقایسه‌ای صورت نگرفته است، از این رو انجام این پژوهش برای ارائه دیدگاه‌های متنوع و نتیجه‌گیری متین از آن میان بایسته و شایسته می‌نماید.

سؤال اساسی این نوشتار، پیرامون چسبانی اختلاف نظر در واژگان و مفهوم آیه مورد بحث است. از جمله این اختلافات، اختلاف در قرائت برخی از واژگان این آیه است. پس از بررسی این امر، به اختلاف اساسی دیگر، یعنی چگونگی فهم مقصود از تعابیر «هذا» و «عَلَيَّ» در آیه پرداخته شده است.

در طول بحث با ارائه مواضع اختلاف و با روشن نمودن محل‌های نزاع، ابتدا پاسخ‌های

مطروحه به هر بخش در قالب دسته‌بندی‌هایی چند، عرضه گردیده و در ادامه، نقد هر دسته به دنبال آمده است. در پایان نیز با ارائه تحلیل‌هایی نتیجه‌نهایی مطرح گردیده است. جنبه نوآوری این بحث در آن است که با تأمل در آیات قرآن و با ارائه تفسیری قرآن به قرآن، دیدگاهی قابل قبول‌تر درباره امر مورد اختلاف ارائه گردد.

شایسته تذکر است که ماجرای مطروحه در آیات ۲۸ تا ۴۴ سوره حجر، با تفاوتی اندک و شباهتی بسیار در چند جای دیگر از قرآن کریم مطرح گردیده است. (بنگرید به: اعراف / ۱۸ - ۱۱؛ ص / ۸۸ - ۷۱؛ اسراء / ۶۵ - ۶۱) البته هرچند آیه مورد بحث در این مقال در میان این آیات مشابه، ذکر نگردیده؛ لکن با توجه به همسانی و یکسانی فضای بحث در همه این موارد مشابه، می‌توان از آنها در درک درست مفهوم این آیه نیز بهره جست.

طرح اختلاف قرائت

در ارتباط با عبارت «صراط علی» در آیه: «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ»، سه گونه قرائت مختلف مطرح است که به شرح ذیل مطرح می‌گردد:

۱. صِرَاطٌ عَلَيَّ

روشن است که قرائت مشهور و مرسوم آیه همان است که در مصاحف کنونی و بر مبنای روایت حفص از عاصم شکل گرفته است. در این قرائت حالت ترکیبی دو کلمه: «صراط» و «عَلَيَّ» در آیه، همان «صِرَاطٌ عَلَيَّ» می‌باشد؛ لکن با وجود این قرائت مرسوم و شایع، ظاهراً ناتوانی و دشواری در دستیابی به فهمی روشن و رسا از آیه، برخی را به وادی طرح اختلاف قرائت‌ها کشانده تا در پرتو تمسک به آن، راهی برای غلبه بر دشواری‌های معنایی این آیه بگشایند. بر این اساس، علاوه بر قرائت مرسوم و رایج، دو قرائت دیگر از آیه به شرح ذیل مطرح گردیده است:

۲. صِرَاطٌ عَلَيَّ

منشأ این قرائت روایات و گزارش‌های تاریخی است و عمدتاً از سوی برخی از مفسران و قاریان و نخبگان سنی مطرح گردیده است؛ این قرائت به تعدادی از مفسران تابعی و قاریان

قرآن همچون: قیس بن عباد(ة)، ابن سیرین، قتادة، ابی‌الرجاء، سعید، حمید و یعقوب، ضحاک، مجاهد و عمرو بن میمون نسبت داده شده است. (بنگرید به: طبری، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۲۴ - ۲۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۴۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۲: ۴ / ۴۶۰؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۷ / ۲۲۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۱۸) مانند:

و قرأ ... قیس بن عباد و ابن‌سیرین و قتادة فیما ذکر عنهم «هذا صراطٌ علیُّ مستقیمٌ» برفع «علیُّ» علی أنه نعتٌ للصراط، بمعنی رفیع ... (طبری، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۲۴ - ۲۳)

و قرأ قیس بن عباد و محمد بن سیرین و قتادة: هذا صراطٌ علیُّ مُسْتَقِیمٌ کقولہ: «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ» (زخرف / ۴) أي رفیع و المشهور القراءة الأولى. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۲: ۴ / ۴۶۰)

و قال ابن‌سیرین و قتادة و قیس بن عباد و حمید و یعقوب: هذا صراطٌ علیُّ برفع الیاء علی نعت الصراط أي رفیع، کقولہ: «وَ رَفَعْنَاهُ مَكَاناً عَلِيًّا». (مریم / ۵۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۴۱)

مفسر معاصر سنی، عبدالکریم خطیب در تأیید معنای مورد نظر خویش از آیه مبنی بر حمایت و حراست خداوند از مخلصین در برابر کید شیطان به این قرائت از آیه اشاره و استناد می‌کند:

و يقوِّي هذا المعنی قراءةً من قرأ: «هذا صراطٌ علیُّ مُسْتَقِیمٌ؛ أي هذا صراطٌ عالٍ لا یناله إبلیس بکیده و مکره، و هو صراطُ الله، الذي دعا عباده إليه. (خطیب، ۱۳۸۸: ۷ / ۲۳۹)

نقد و بررسی قرائت صراطٌ علیُّ

هرچند این قرائت بر مبنای دستور زبان و ادب عربی خالی از اشکال صوری است؛ لکن حتی در منابع سنی پس از ذکر این قرائت، بر شاذ بودن آن تأکید گردیده و قرائت مرسوم: «صراطٌ علیُّ» اولی و أرجح و مورد اجماع قاریان دانسته شده است. (طبری، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۲۴ - ۲۳؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۲: ۴ / ۴۶۰)

در منابع شیعی اشاره به این قرائت، متأثر از منابع سنی است؛ زیرا ابوالفتوح رازی از افراد مورد استناد در نقل این قرائت از شخصیت‌های سنی هستند؛ (رازی، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۳۲۵) به‌علاوه اشاره صاحب *مجمع البیان* به روایت این قرائت از جانب امام صادق علیه السلام قولی بدون سند و مدرک است؛ چراکه اگر همه منابع روایی و تاریخی شیعه به دقت بررسی شود هرگز چنین روایتی در میان آنها یافت نخواهد شد؛ از این رو طبرسی خود نیز با تحسین توجیه ابوالحسن آخفش درباره قرائت مشهور «صراطُ عَلِيٍّ» به تقویت قرائت مشهور پرداخته است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۱۸) بر این اساس روا نیست که قرائتی را که دارای توجیهی شایسته نیست و از سندیت روشنی نیز برخوردار نمی‌باشد به معصوم علیه السلام نسبت دهیم. فیض کاشانی نیز سخن خود را به *مجمع البیان* استناد می‌دهد (فیض، ۱۴۱۶: ۳ / ۱۱۳) که پاسخ آن روشن است.

نیز شریف لاهیجی در نقد این قرائت می‌نویسد:

صاحب *مجمع البیان* گوید: قرائت «صراطُ عَلِيٍّ» به رفع، که مأخوذ از علو و شرف باشد، مروی از حضرت صادق علیه السلام است و بعضی از اجلّه معاصرین در ترجمه کتاب *کافی* گفته‌اند که: می‌تواند حدیث حضرت صادق علیه السلام بیان قرائت مشهوره باشد؛ زیرا که مراد از صراط راه اعتراف به ربوبیت رب العالمین است که مقتضی پیروی امام عالم به جمیع احکام است. بعد این احتمال با عدم ربط به سوق باب مذکور ظاهر و باهر است و حمل حدیث کافی به قرائت رفع «علی» نیز بعید است، چنانچه این حمل از کلام بعضی دیگر از اهل عصر مستفاد می‌گردد. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲ / ۶۷۲)

۳. صراطُ عَلِيٍّ

با توجه به جهت‌گیری شیعی و امامی این قرائت، آن را عمدتاً در منابع روایی شیعه می‌توان یافت (نظیر: فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۲۲۵؛ عیاشی، بی‌تا: ۲ / ۲۴۲؛ العاملی، ۱۳۸۴: ۱ / ۲۸۴) و استناد آن به برخی از منابع و شخصیت‌های سنی مذهب مبتنی بر سندی روشن و قابل دسترسی نیست.

نقد و بررسی قرائت صراطِ علی

اولاً در صورتی که طبق این قرائت واژه «صراط» به کلمه «علی» اضافه گردد، تنوین نخواهد داشت و در این صورت واژه «مستقیم» که در حقیقت صفت «صراط» است به‌عنوان خبر دوم «هذا» به حساب خواهد آمد؛ یعنی آیه مورد بحث به لحاظ معنایی به صورت: «هذا صراطُ علی» و «هذا مستقیم» در خواهد آمد که در این صورت هیچ‌یک از دو عبارت، معنای متینی نخواهند داشت؛ به‌ویژه آنکه با توجه به دیدگاهی که در ادامه این نوشتار درباره مشارالیه «هذا» مطرح گردیده است، این قرائت بدین‌سان فاقد هرگونه توجیه استواری خواهد بود.

این روایات با دیگر روایاتی که حاکی از آن است که نام ائمه علیهم‌السلام در قرآن وجود ندارد، در تضاد است؛ چه در صورتی که این قرائت قرین صحت بود، شایسته بود معصوم علیه‌السلام پرسش‌کنندگان از چرایی ذکر نشدن نام امام علی علیه‌السلام در قرآن را به این آیه ارجاع دهند.^۱

در صورتی که قرائت صحیح این کلمه «علی» بوده باشد قرائت کنونی که «علی» است به‌عنوان تحریف لفظی در قرآن به‌شمار می‌آید؛ زیرا کلمه‌ای به کلمه دیگر تغییر یافته و این تغییر، فهم صحیح مفهوم آیه را با مشکل مواجه نموده است. در حالی که اعتقاد به تحریف قرآن از سوی فریقین رد شده است و هم بر این اساس است که شیعه معتقد است، قرآن به یک لفظ نازل گردیده و اختلاف قرائات نتیجه اجتهاد قراء و روات است؛ (کلینی، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۳۰) افزون بر این قرائت کنونی حفص از عاصم استوارترین قرائت از قرآن است که اسناد آن به

۱. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره قول خدای عزوجل: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» پرسیدم، فرمود: درباره علی بن ابی‌طالب و حسن و حسین علیهم‌السلام نازل شده است. به حضرت عرض کردم: مردم می‌گویند: چرا نام علی و خانواده‌اش در کتاب خدای عز و جل برده نشده؟ آن حضرت فرمود: به آنها بگو: آیه نماز، بر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد و سه رکعتی و چهار رکعتی آن نامبرده نشد، تا اینکه پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خود برای مردم بیان کرد و آیه زکات بر آن حضرت نازل شد و نام برده نشد که زکات از هر چهل درهم یک درهم است تا اینکه خود پیغمبر آن را برای مردم شرح داد و امر به حج نازل شد و به مردم نگفت هفت دور طواف کنید تا اینکه خود پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای آنها توضیح داد و آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نازل شد و درباره علی و حسن و حسین هم نازل شد، پس پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره علی علیه‌السلام فرمود: هر که من مولی و اولی به امر اویم علی مولی و اولی به امر اوست ... (کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۸۶)

حضرت علی علیه السلام باز می‌گردد. (معرفت، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۵۴ - ۱۴۵)

چه ضرورتی دارد که خداوند در برابر تهدید ابلیس صرفاً راه حضرت علی علیه السلام را به‌عنوان تنها مصداق صراط مستقیم معرفی کند؛ درحالی‌که پیامبر اسلام و دیگر پیامبران نیز بر صراط مستقیم بوده‌اند؛ به‌علاوه در آن زمان هنوز حضرت علی علیه السلام آفریده نشده و ماجرای مرتبط با وی در میان نبوده است.

با توجه به اینکه تعبیر: «هذا + صراط + مستقیم» دو بار دیگر در قرآن مطرح گردیده و در هر دو مورد این صراط مستقیم به خداوند نسبت داده شده است؛ مانند: «وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا» (انعام / ۱۲۶) و «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمًا» (انعام / ۱۵۳) شایسته‌تر است که در اینجا نیز این صراط به خداوند نسبت داده شود؛ یعنی این آیه به همان صورتی که در قرائت مشهور وجود دارد، خوانده شود.

این قرائت فقط در کتب قرون اولیه شیعی مطرح گردیده و هیچ یک از مفسران برجسته قرون اخیر شیعه حتی به این قرائت اشاره نیز ننموده‌اند که این نشانه عدم اعتبار این قرائت در نزد آنها می‌باشد.

اگر نسبت این روایات به معصوم علیه السلام درست باشد؛ به ناچار باید گفت: مقصود معصوم علیه السلام از ذکر نام حضرت علی علیه السلام در ذیل این آیه، بیان مصداق اتم و اکمل رهروان صراط مستقیم بوده چنان‌که در زیارت مخصوصه امام علی علیه السلام در روز غدیر که از امام رضا علیه السلام روایت گردیده، می‌خوانیم:

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنَى بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ، وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ،
وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ . (ابن‌المشهدی، ۱۴۱۹: ۲۶۶)

گواهی دهم که تویی مقصود از گفتار خدای نیرومند مهربان و به‌راستی این است راه راست من، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او جدا کند.

و در این صورت نیز باید مشارالیه «هذا» را اخلاص و یا مخلصان دانست، که در غیر این صورت باز بی‌تناسب خواهد بود.

نه آنکه قرائت واژه «عَلَى» به صورت «عَلِيَّ» مورد نظر معصوم علیه السلام بوده باشد. چنان که در موارد دیگری نیز برخی ادعای وجود نام حضرت علی علیه السلام را در میان آیات قرآن مطرح نموده‌اند. (به‌عنوان مثال بنگرید به: قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۱۰ و ۱۵۹: ۲ / ۲۸۶؛ عیاشی، بی‌تا: ۱ / ۲۸۵) اما در آن موارد نیز در حقیقت واژه «علی» نه جزء آیه که تفسیر و تأویل آیه به حساب می‌آید.

دیدگاه مفسران درباره اجزای آیه

در این بخش به بررسی و واکاوی دیدگاه‌ها و توجیحات مفسران قرآن در ارتباط با آیه: «هذا صراطُ عَلِيٍّ مُسْتَقِيمٌ» می‌پردازیم تا روشن شود دانیان عرصه تفسیر و شکافندگان لب معانی و مفاهیم در پس این آیت کریمه چه دیده و فهمیده‌اند. پیش از بیان جزئیات این دیدگاه‌ها، ذکر این نکته ضروری است که نزد مفسران تنها دو بخش یا دو واژه از واژگان آیه، محل اختلاف و مورد بحث است؛ اولین اختلاف آنها بر سر مشارالیه در واژه «هذا» است و دومین اختلاف بر سر مقصود از تعبیر «عَلِيٍّ» است.

بررسی دقیق و جامع توجیحات مفسران، بیانگر آن است که دیدگاه‌های آنها پیرامون آیه مورد بحث به شرح ذیل است:

الف) مقصود از «هذا»

۱. «اخلاص ورزی»

از نظر برخی از مفسرین، مقصود از «هذا» در آیه: «هذا صراطُ عَلِيٍّ مُسْتَقِيمٌ» همان موضوع: «اخلاص / مخلصین» است و در این صورت مفهوم آیه این خواهد بود که: راه بندگان مخلص من «اخلاص ورزی»، راهی مستقیم به سوی من است که شیطان توانایی گمراه ساختن صاحبان آن را ندارد. (فخر رازی، بی‌تا: ۱۹ / ۱۴۵؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۵ / ۳۰۹؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۶ / ۱۹۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۵ / ۱۶۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۴ / ۴۷۸)

۲. «دین حق» و «دین مستقیم»

البته برخی از مفسرین پا را از ظواهر آیه فراتر نهاده و مدعی گردیده‌اند که: مقصود از «هذا»

نه به معنای اخلاص بلکه به معنای «دین حق» (طیب، ۱۳۷۸: ۸ / ۴۰) یا «دین مستقیم» است. (حسینی شاه عبدالظیمی، ۱۳۶۳: ۷ / ۱۱۰)

بررسی دیدگاه

ظاهراً مفسران فوق، در تبیین مشارالیه کلمه «هذا» علاوه بر بحث اخلاص و مخلصین که در سیاق آیه وجود دارد، گریزی نیز به دو بخش از آیات دیگر که در ضمن آنها ماجرای آغاز آفرینش انسان و مجادله ابلیس با خداوند مطرح است زده‌اند؛ چه در میان این دو بخش، آیات ذیل وجود دارد که پشتوانه‌ای برای این دیدگاه است:

... قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَمَا يَأْتِيَكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (بقره / ۳۹ - ۳۸)

... قَالَ اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَمَا يَأْتِيَكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى * وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. (طه / ۱۲۴ - ۱۲۳)

البته روشن است که مقصود از هُدًى (= هدایتی) که خداوند در این آیات خبر آمدنش را به انسیان و جنیان می‌دهد، همان ادیان و شرایع و کتب آسمانی از آدم عليه السلام تا خاتم عليه السلام است. افزون بر این اخلاص ورزی در فضای خالی از دستورات و تکالیف صورت نمی‌بندد. بنابراین نخست باید دین و شریعتی باشد تا پس از آن، مکلفان با اخلاص و باورمندانه به آن عمل نمایند و آنگاه نجات و رهایی آنها از دست ابلیس حاصل گردد. در حقیقت این مفسران «اخلاص» را به منشأ و مبدأ آن؛ یعنی «دین آسمانی» تفسیر و توجیه نموده‌اند.

همچنین در تفاسیر روایی سنّی به مفسر تابعی «مجاهد» نسبت داده شده که وی در تفسیر آیه: «هذا صراطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» گفته: «الحقُّ يرجعُ إلى الله، و عليه طريقه، لا يعرجُ علي شيء!» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۷ / ۲۲۶۴؛ طبری، همان؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۴۱)

روشن نیست که قائل این سخن بر چه مبنایی «هذا» را به «حق» تفسیر نموده است نیز بازگشت حق به سوی خداوند چگونه و به چه معناست؟ ادامه تفسیر نیز بی نیاز از توضیح است.

۳. مفاد آیات پیشین

علامه طباطبایی، مقصود از «هذا» را آیات پیشین (۴۰ - ۳۹) که مشتمل بر ادعای ابلیس است، می‌داند. سخن وی در این باره چنین است:

از ظاهر سیاق بر می‌آید که « هذا صراطٌ » اشاره به کلام ابلیس است که گفت: «لَأُغْوِيَهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ» چون ابلیس با این کلامش چنین اظهار کرد که او به زودی نسبت به آنچه که تصمیم گرفته مستقل و بی‌نیاز از خدا خواهد شد، و خواستش بر خواست خدا پیشی خواهد گرفت ... (لکن) خدای تعالی در قبال این اظهار پاسخ داده است که: آنچه گفتمی که به زودی همه آنها را گمراه می‌کنی، و آنچه که استثنا نمودی و چنین اظهار نمودی که به زودی مستقل می‌شوی، و همه این کارها را به حول و قوه و مشیت خود می‌کنی، سخت اشتباه کرده‌ای؛ زیرا غیر من کسی مستقل نیست، و کسی جز من مالک این تصرفات و حاکم در آن نیست، از هر کسی هم که سرزند به حکم و قضای من است. اگر اغواء کنی به اذن من کردی و اگر نتوانی و ممنوع شوی به مشیت من ممنوع شده‌ای، و تو از ناحیه خود مالک هیچ چیزی نیستی. تنها مالک و اختیاردار آن اموری هستی که من مالکت کرده‌ام. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۲۴۵ - ۲۴۴)

۴. مفاد آیه پسین

برخلاف نظر فوق، برخی دیگر از مفسرین، مشاراً لیه «هذا» را آیه مابعد آن (آیه ۴۲) دانسته‌اند که البته مفهوم این دو نظر تفاوت چندانی با یکدیگر نخواهد داشت؛ زیرا محتوای این آیه نیز همان ادعای ابلیس در آیات ۳۹ و ۴۰ است که از سوی خداوند ذکر شده است:

هذا الصراط الذي أضعه صراط حق لا عوج فيه و هو: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» أي عبادي الذين يعبدونني و لا

يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا لَنْ تَكُونَ مَسْلُطًا عَلَيْهِمْ وَ لَنْ تَقْدَرَ عَلَيَّ إِغْوَاهِهِمْ، إِلَّا مَنْ
اتَّبَعَكَ وَ سَمِعَ لَوْ سَوَسْتَكَ وَ تَزَيَّنَكَ مِنَ الْغَاوِينَ الضَّالِّينَ. (سبزواری نجفی،
۱۴۰۶: ۴ / ۱۸۵)

این راه مستقیم من است ... و این سنت فناپذیری است که من آن را بر عهده
گرفته‌ام ... که تو هیچ‌گونه تسلط و قدرتی بر بندگان من نداری مگر گمراهانی
که شخصاً بخواهند از تو پیروی کنند «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا
مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ». (مکارم‌شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۱ / ۷۳)

دیدگاه مورد پذیرش

آنچه به‌عنوان نتیجه‌گیری از این بخش قابل بیان است این است که با توجه به ابهام سنگینی
که پیرامون واژه «هذا» در آیه مورد اشاره وجود دارد به نظر می‌رسد مفسرانی که مشارالیه
هذا را «اخلاص ورزی» یا «سنت الهی» گرفته‌اند راه به صواب برده باشند و دیگر دیدگاه‌ها
بسیار دور می‌نماید. این دیدگاه در ادامه به تفصیل تبیین خواهد شد.

ب) مقصود از «عَلَى»

دومین بخش قابل توجه و پر مناقشه در آیه «هذا صراطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ»، تعبیر «عَلَى» است؛
که معنای حرفی و لفظی آن عبارت است از «بر من / بر من است». از آنجا که این معنا در
فهم آیه کارساز و راه گشا نیست، مفسرین توجیهاتی را پیرامون این تعبیر مطرح نموده‌اند:

۱. بیان و ایضاح راه اخلاص از سوی خداوند

برخی از مفسرین مقصود از «عَلَى» را بیان و ایضاح راه اخلاص و دلالت نمودن به‌سوی آن و
یا هدایت به‌سوی دین حق و مستقیم از سوی خداوند دانسته‌اند. (نظیر: رازی، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۳۲۵؛
طوسی، ۱۴۰۹: ۶ / ۳۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۱۹؛ فخر رازی، بی‌تا: ۱۹ / ۱۴۵؛ زحیلی،
۱۴۱۸: ۱۴ / ۳۳؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۷ / ۱۱۰؛ شبر، ۱۴۰۷: ۳ / ۳۸۴) در
حقیقت گویی این آیه در معنای آیه: «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ» (نحل / ۹) می‌باشد.

(سمرقندی، بی تا: ۲ / ۲۵۶) البته برخی از این معنا چنین تعبیر نموده‌اند که بر خداوند به مقتضی مصلحت و حکمت و عدل لازم است به بندگان، «راه هدایت و اخلاص‌ورزی» را با ارسال رسل و انزال کتب و جعل احکام ابلاغ نماید (طیب، ۱۳۷۸: ۸ / ۴۰) و گاه نیز این معنا با عبارات و بیانی عارفانه مطرح گردیده است. (میبدی، ۱۳۷۱: ۵ / ۳۰۹)

۲. محافظت خداوند از راه اخلاص

از سوی دیگر عده‌ای از مفسرین، تعبیر «عَلَى» را ناظر بر محافظت از راه اخلاص و مخلصین و مراعات آن و دستگیری از آنها از سوی خداوند می‌دانند؛ امری که خداوند با این تعبیر آن را بر عهده گرفته است. (نظیر: زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۷۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۲۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۱۱۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۴ / ۳۰؛ شبر، ۱۴۰۷: ۳ / ۳۸۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۷ / ۱۳۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۳ / ۵۲۲؛ خطیب، ۱۳۸۸: ۷ / ۲۳۸؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۶ / ۱۹۱ - ۱۹۰؛ طنطاوی، بی تا: ۸ / ۴۵) در حقیقت گویی که این تعبیر در معنای آیه: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَي نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (انعام / ۵۴) است. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴ / ۴۷۸) چنان که در همین سوره خداوند متعال همین معنا را در ارتباط با حفظ کتاب آسمانی نیز مطرح نموده است؛ آنجا که می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذُّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». (حجر / ۹) (مدرسی، ۱۴۱۹: ۵ / ۳۷۹)

۳. هشدار و بشارت

دیدگاه دیگری که باز بسیار بعید و نیز خالی از استدلال می‌نماید آن است که مقصود خداوند از تعبیر «عَلَى» هشدار و تهدید از یک سو و بشارت و تشویق از سویی دیگر است؛ یعنی گویی خداوند با این تعبیر، در برابر ادعای ابلیس، به او می‌گوید: ای ابلیس! هرکاری از دست بر می‌آید در انجام آن کوتاهی نکن! آفریدگان من نیز در گزینش هرگونه موضعی در برابر تو آزادند؛ زیرا سرانجام در پایان زندگی دنیوی، مرجع و ممرّ تو و همه انسان‌ها (مخلصین و غاووین) به سوی من خواهد بود؛ مخلصین را پاداش خواهیم داد و تو و گمراهان را عقاب و

۱. این نظر، یکی از دو دیدگاه مفسر الفرقان است.

عذاب خواهم نمود. (شبر، ۱۴۰۷: ۳ / ۳۸۴؛ طبری، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۲۳) یا اینکه این خطاب تنها بر سبیل تهدید ابلیس است، یعنی خداوند به وی متذکر می‌گردد که: راه تو بر من است و تو را از من گریزی نیست. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۷ / ۱۱۰)

۴. قضا و سنت الهی

از دیگر دیدگاه‌های قابل تأمل و تدبر که از سوی برخی از مفسران در ارتباط با این تعبیر ارائه گردیده آن است که: ادعای ابلیس مبنی بر اینکه: بیشتر خلاق را گمراه خواهد نمود و تنها اندکی از آنان - که همان مخلصین هستند - از چنگ وی نجات خواهند یافت، به صورت مستقل از خداوند و بدون اذن وی هرگز امکان‌پذیر نخواهد بود؛ چه تعبیر «عَلَى» بیانگر آن است که صرف آزمایش سلسله بشر چنین اقتضا و عرصه‌ای را برای ابلیس مهیا نموده است تا او بتواند به وسوسه و تحریک انسان‌ها بپردازد؛ بنابراین تعبیر «علی» در این آیه به معنای «قضا و سنت الهی» است؛ به بیان دیگر آیه: «أَنَّ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» معادل آیه: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (انسان / ۳۰) است (الوسی، ۱۴۱۵: ۷ / ۲۹۴) به تعبیر یکی از مفسران، ابلیس در طی سخنان و مکابره خود اغواء افراد بشر را به خود نسبت داده و در این باره دعوی استقلال نموده و توحید افعالی پروردگار را انکار کرده است. ساحت پروردگار نیز گفتار او را ردّ و نقض فرموده که تدبیر درباره آزمایش سلسله بشر چنین مقتضی است؛ زیرا تزیین و اغواء و همچنین غوایت و قبول دعوت، فعل وجودی و روانی است و لامحاله ظهوری از اراده پروردگار است، به این معنا که از نظر خبت سیرت و عناد شیطان، مردم را به شرک و مخالفت دعوت و ترغیب نماید و بر حسب نیروی پذیرش و اختیار که در هر یک از افراد نهاده به مشیت پروردگار دعوت شیطان را بپذیرند و نیز ضلالت و غوایت صورت روانی ظهوری از خواسته پروردگار است که به اقتضای مورد پروردگار به آنها افاضه می‌فرماید و بر حسب نظام تدبیر و سوق بشر به سعادت، دو نیروی متضاد در بشر نهاده، یکی نیروی خرد و دیگر نیروی شهوت و غضب و نیز به منظور سوق هر یک از افراد بشر از طریق استفاده و تقویت هر یک از دو نیروی دیگر مقرر داشته است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۹ / ۳۷۹)

البته معدودی از مفسران، دیدگاه فوق را به گونه‌ای متفاوت، مطرح کرده‌اند؛ براساس این دیدگاه، مقصود خداوند از آیه مورد بحث و به‌ویژه از تعبیر «عَلَى» این است که: سنت من بر این قرار گرفته که دست ابلیس به مخلصین نرسد و آنها فریب او را نخورند و او بر گمراهی آنها ناتوان باشد؛ البته آن کس که از گمراهان (= غاوین) باشد به‌دست او تباه خواهد شد. (طنطاوی، بی‌تا: ۸ / ۴۶؛ قطب، ۱۴۲۵: ۴ / ۲۱۴۲)

نقد و بررسی دیدگاه‌های چهارگانه

درباره دیدگاه شماره یک می‌توان گفت: تفسیر «عَلَى» به تبیین و روشن‌نگری صراط مستقیم و دلالت و هدایت به سوی آن از جانب خداوند، گرچه فی‌نفسه سخن درستی است؛ لکن در اینجا، تفسیری من‌عندی و بی‌مناست.

در نقد دیدگاه دوم باید گفت: گرچه خداوند متعال - بنا بر اقتضای فیض و فضلش - از مؤمنان و مخلصان حراست و حمایت به عمل می‌آورد و مدد و توفیقش را از آنها دریغ نمی‌دارد؛ همان‌طور واصلان به مقام اخلاص از آغاز نیز با عنایت و رعایت الهی به آن مقام بلند نایل گردیده‌اند چنانکه فرمود: «... وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا...» (نور / ۲۱) لکن با صرف تعبیر «عَلَى» در این آیه نمی‌تواند چنین ادعایی را در اینجا مطرح نمود.

در نقد دیدگاه سوم می‌توان گفت: خداوند در همه مواردی که در آیات قرآن به ذکر ماجرای ابلیس پرداخته، چنین تهدید و تشویقی را به‌صورت گویا و رسا مطرح نموده و عاقبت هر دو جهت‌گیری موافق و مخالف با ابلیس را به روشنی و با شفافیت تمام ترسیم نموده است؛ (بنگرید به: بقره / ۳۹ - ۳۸؛ اعراف / ۱۸؛ حجر / ۴۴ - ۴۲؛ ص / ۸۵ - ۸۴؛ اسراء / ۶۵ - ۶۳؛ طه / ۱۲۴ - ۱۲۳) از این‌رو بسیار بعید است که در این آیه نیز چنین معنایی، مقصود باشد آن هم با بیانی بسیار پیچیده و دشواریاب و مجازگونه. حال آنکه تهدید و تشویق باید به شدت رسا باشد تا به سرعت مفهوم گردد و منشأ عمل و اثر شود.

سرانجام درباره دیدگاه چهارم باید گفت: تعبیر نخست از این دیدگاه قابل پذیرش

می‌نماید؛ لکن تعبیری که در بخش پایانی از آن به عمل آمده خالی از اشکال نیست. دلیل آن این است که: خود اخلاص ورزی و قرار گرفتن شخص در جرگه مخلصان - به صورت طبیعی - شخص را از افتادن در دام ابلیس بیمه می‌کند و به وی مصونیت می‌بخشد و تا هنگامی که او به این خصوصیت در کردار خویش تداوم بخشد آن مصونیت نیز برای وی تداوم خواهد داشت؛ به همین جهت نباید این معنا را به‌گونه‌ای بیان کرد که بوی نوعی از جبر و اجبار از سوی خداوند در مصونیت بخشیدن به این‌گونه افراد در برابر کید و مکر ابلیس به مشام آید؛ چنانکه ابلیس خود نیز به ناتوانی خویش در گمراه کردن افراد مخلص - حتی پیش از یادآوری این امر از طرف پروردگار - اعتراف نموده است: «... لِأَعْوِبَهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ». (حجر / ۴۰ - ۳۹)

بررسی آیه در پرتو دیگر آیات قرآن

اکنون، در ورای تشتتی که میان مفسران قرآن در فهم آیه: «قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» وجود دارد، ضروری می‌نماید تا علاوه بر نکاتی که تاکنون گفته شد، با مراجعه به آیات قرآن، نشانه یا قرینه‌ای برای کمک به فهم درست‌تر آن بیابیم. برای این منظور آیاتی که مشتمل بر بیشترین اشتراک لفظی با آیه مورد نظر هستند، راه‌گشا تر خواهند بود. به همین منظور با جسجوی دقیق در میان آیات قرآن، سه آیه ذیل دارای چنین ویژگی می‌باشند:

وَ هَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ. (انعام / ۱۲۶)
 وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَنَفَّرَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ
 ذَلِكُمْ وَ صَاحِبُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (انعام / ۱۵۳)
 إِلَهِي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي
 عَلَيَّ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (هود / ۵۶)

آیات سه گانه فوق، مشتمل بر سه واژه کلیدی (هذا، صراط، مستقیم) هستند که در آیه مورد بحث نیز موجود می‌باشد. به نظر می‌رسد - باوجود دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایی که در

فهم این سه آیه نیز وجود دارد - بر مبنای سیاق و قرائن پیرامونی این آیات دو معنا برای تعبیر «صراط مستقیم خداوند» از این آیات قابل استخراج می‌باشد.

۱. مقصود از «صراط مستقیم خداوند» در دو آیه: «هَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا» (انعام / ۱۲۶) و «إِنَّ رَبِّي عَلِيٌّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (هود / ۵۶) سنت و سیره و روش استوار خداوند، مورد نظر باشد (بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷ / ۳۴۵؛ قطب، ۱۴۲۵: ۳ / ۱۲۰۵؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۰ / ۲۷۴؛ مکارم‌شیرازی، ۶۶ - ۱۳۵۳: ۵ / ۴۳۷)

۲. مقصود از «صراط مستقیم خداوند» در آیه: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام / ۱۵۳) مجموعه برنامه‌ها، اندیشه‌ها و اعمال نیک و استواری است که خداوند معرفی نموده، به گونه‌ای که پذیرش آنها و تبعیت از آنها در روند زندگی، رضایت و قرب الهی را در پی خواهد داشت. (بنگرید به: قطب، ۱۴۲۵: ۳ / ۱۲۳۴؛ خطیب، ۱۳۸۸: ۴ / ۳۴۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۵۹۳؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۰ / ۳۳۷؛ مکارم‌شیرازی، ۶۶ - ۱۳۵۳: ۶ / ۳۱؛ فضل‌الله، ۱۴۰۵: ۹ / ۳۷۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷ / ۳۷)

بر این مبنا مقصود از صراط مستقیم خداوند در آیه مورد بحث: «هَذَا صِرَاطٌ عَلِيٌّ مُسْتَقِيمٌ» نیز نمی‌تواند خارج از یکی از دو معنای فوق باشد؛ چه آنکه، علاوه بر دلالت آیات قرآنی فوق، دسته‌ای دیگر از آیات نیز در این مسیر یاریگر و دستگیر ما در دستیابی به این فهم خواهد بود؛ این آیات، عبارت است از مجموعه آیاتی که در سوره‌های مختلف قرآن در ارتباط با ماجرای سرکشی شیطان از سجده آدم و تهدید وی مبنی بر تباه و گمراه کردن وی و نسل و دودمان او و برخی دیگر از مباحث مرتبط نازل شده است. (بنگرید به: اعراف / ۱۸ - ۱۱؛ حجر / ۴۴ - ۲۶؛ ص / ۸۸ - ۷۱؛ اسراء / ۶۵ - ۶۱؛ بقره / ۳۹ - ۳۴؛ طه / ۱۲۶ - ۱۱۵)

بر طبق این آیات، شیطان از نشستن بر سر راه مستقیم خداوند سخن می‌گوید؛ یعنی کمین کردن بر سر راه و در جایی که بندگان خداوند از آنجا قصد عبور و رسیدن به مقام قرب و رضای او را دارند. نیز از تزیین و اغوا و ریشه‌کن کردن ذریه انسان سخن رفته است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در آیه مورد بحث نیز که مشابه آیات فوق، ماجرای ابلیس در

آن مطرح است، مقصود از «هذا» همین اخلاص‌ورزی و فریفته نشدن در برابر تزیین و اغوای ابلیس باشد؛ چه، در این صورت همان‌گونه که برخی از مفسرین نیز گفته‌اند واژه «عَلَى» در آیه به معنای «إلی» خواهد بود؛ چنانکه در آیه: «وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ...» (انعام / ۱۵۳) نیز «هذا» تقریباً دارای چنین معنا و مفهومی بود.

اما نمی‌توان از نظر دور داشت که باز بر طبق آیات بخش پیشین و نیز سیاق و اشارات دسته دوم از آیات قرآن؛ یعنی آیاتی که به ماجراهای تمرد و تهدید شیطان می‌پردازد؛ چه بسا مقصود از «صراط مستقیم خداوند» در سوره حجر، «سنت و سیره و تقدیر و قضای الهی» باشد؛ چنانکه تعداد قابل توجهی از مفسران چنین دیدگاهی را مطرح نموده‌اند.

بررسی مفهوم «سنت الهی» در تفسیر آیه

همان‌گونه که در بخش پیشین گفته شد احتمال بسیار می‌رود که مقصود از «صراط مستقیم خداوند» در سوره حجر، «سنت و سیره و تقدیر و قضای الهی» باشد؛ مقصود از این مفهوم که استوارتر نیز به نظر می‌رسد و در پرتو استنباط از برخی از آیات دیگر قرآن نیز به دست می‌آید، آن است که: خداوند در واکنش به تهدیدی که شیطان نسبت به حضرت آدم علیه السلام و ذریه وی به عمل آورده و وعده‌ای که به دسته‌بندی و تفرقه آنها داده، به او متذکر می‌گردد که توانایی‌اش در اغوا و گمراهی برخی از انسان‌ها و ناتوانی‌اش در گمراه نمودن گروهی دیگر (مخلصان) به سبب آن است که شیطان صرفاً در محدوده سنت و قضای الهی گام بر می‌دارد و نه بیش از آن و او در این امر از هیچ‌گونه استقلال و توانایی خارج از چهارچوب و بستر مهیا شده توسط خداوند برخوردار نیست؛ توضیح آنکه، خداوند انسان را از تمایلات و گرایش‌های دوگانه‌ای برخوردار نموده است: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا». این تمایلات دو سو کشانه که عبارت است از: «گمراهی» یا «اخلاص‌ورزی» و «فجور» یا «تقوی»، در حقیقت نتیجه تدبیر ربوبی است که جهت دستیابی انسان به تعالی روح و رسیدن به قله قرب، در درون وی نهاده شده است. از سوی دیگر شیطان نیز صرفاً ابزاری برای وسوسه کردن و تحریک نمودن انسان به سوی تمایلات ناپسند و تزیین آنها

در برابر چشم وی، و سخت و ناگوار نمایاندن پسندها و خوبی‌ها در برابر وی است؛ چنانکه آیات قرآن نیز گویای این حقیقت است:

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدْكُمْ مَعْفَرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. (بقره / ۲۶۸؛ نیز بنگرید به: بقره / ۱۶۹؛ انعام / ۴۳ و ۱۳۷؛ انفال / ۴۸؛ نمل / ۲۴ و عنکبوت / ۳۸)

بر اساس این حقیقت است که خداوند در ادامه آیات سوره حجر و پس از آیه مورد بحث و در آیات مربوط به جریان‌های مشابه آن، می‌فرماید:

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ. (حجر / ۴۲) (نیز بنگرید به: اسراء / ۶۵؛ اعراف / ۳۷؛ سبأ / ۲۱؛ نحل / ۹۹؛ نحل / ۱۰۰ و حج / ۴)

و شیطان و شیطانیان نیز در روز بازخواست و محاسبه هنگامی که از سوی مجرمین و قربانیان خویش مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند، اعتراف می‌کنند که آنها تنها تحریک‌کننده به سوی بدی‌ها و نافرمانی از خداوند بوده‌اند و نه بیش از آن، چنان که قرآن در این باره می‌فرماید:

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا مَوْمَا أَنفُسَكُمْ ... (ابراهیم / ۲۲)
وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ * قَالُوا إِنَّا كُنْتُمْ نَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ * قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ * وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ. (صافات / ۳۰ - ۲۷)

این معنا از سوی مفسرانی همچون: علامه طباطبایی، سیدقطب، سید فضل‌الله و مکارم‌شیرازی نیز به‌خوبی تبیین گردیده است. (بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۷؛ ۱۲ / ۲۴۵ - ۲۴۴؛ قطب، ۱۴۲۵؛ ۴ / ۲۱۴۲؛ فضل‌الله، ۱۴۰۵؛ ۱۳ / ۱۶۲؛ مکارم‌شیرازی، ۶۶ - ۱۳۵۳؛ ۱۱ / ۷۴ - ۷۳)

نتیجه

بر پایه آنچه گفته آمد، مفهوم و معنای آیه شریفه: «هذا صراطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» از دو صورت خارج نیست:

۱. راه مخلصین همان راه و شیوه‌ای است که بدون هیچ کجی و ناراستی به ثواب و رضایت و قرب و لقای دلپذیر پروردگار می‌انجامد.
۲. مفهوم دوم که استوارتر نیز به نظر می‌رسد آن است که: سنت و سیره و قضای استوار خداوند بر این قرار گرفته که انسان‌ها از اراده و اختیار برخوردار باشند؛ چنانکه بنا بر اراده خویش گروهی از آنها از شیطان تبعیت می‌کنند و گروهی دیگر راه اخلاص را در پیش می‌گیرند. (والله أعلم)

منابع و مأخذ

۱. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز.
۳. ابن المشهدی، محمد، ۱۴۱۹ق، *المزار*، تحقیق جواد القیومی اصفهانی، قم، نشر القیوم.
۴. ابن کثیر، اسماعیل، ۱۴۱۲ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار المعرفه.
۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، میقات.

۸. حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴ق، *انوار درخشان*، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی.
۹. الخطیب، عبدالکریم، ۱۳۸۸ق، *التفسیر القرآنی للقرآن*، قاهره، دار الفکر العربی.
۱۰. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۱. زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۱۸ق، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، بیروت، دار الفکر المعاصر.
۱۲. زمخشری محمود، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۳. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۰۶ق، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار المعارف للمطبوعات.
۱۴. سمرقندی، ابو اللیث، بی تا، *بحر العلوم*، بیروت، دار الفکر.
۱۵. شیر، سید عبدالله، ۱۴۰۷ق، *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*، تحقیق با مقدمه سید محمد بحر العلوم، کویت، مکتبة الألفین.
۱۶. شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تحقیق میر جلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران، دفتر نشر داد.
۱۷. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
۱۸. طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین؛ ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

تحليل انتقادی دیدگاه مفسران قرآن پیرامون آیه ... □ ۵۵

۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق و مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو.

۲۱. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۵ق، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*؛ توثیق و تخریج: صدقی جمیل العطار، بیروت، دار الفکر.

۲۲. طنطاوی، سید محمد، بی تا، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی جا، بی نا.

۲۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح احمد حبیب قصیر العاملی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۴. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.

۲۵. العاملی، علی بن یونس، ۱۳۸۴ق، *الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم*، تحقیق محمدباقر یهودی، طهران، المکتبة المرصیة لإحياء الآثار الجعفریة.

۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود، بی تا، *تفسیر العیاشی (کتاب التفسیر)*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیة.

۲۷. فخررازی، محمد بن عمر، بی تا، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۸. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.

۲۹. فضل الله، سید محمد حسین، ۱۴۰۵ق، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالزهراء، چ سوم.

۳۰. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، ۱۴۱۶ق، *الصابغی فی تفسیر القرآن*، تحقیق حسین اعلمی، تهران، مکتبة الصدر، چ دوم.

۳۱. قطب، سید، ۱۴۲۵ق، *فی ظلال القرآن*، قاهره، دار الشروق.

۳۲. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۵۶ □ فصلنامه مطالعات تفسیری، س سوم، بهار ۹۱، ش ۹
۳۳. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، قم، دار الکتاب.
۳۴. کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۳۶، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
۳۵. کاشانی، ملا فتح الله، ۱۴۲۳ق، زیادة التفاسیر، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم، بنیاد معارف اسلامی.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، طهران، دار الکتب الإسلامية.
۳۷. مدرسی، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ق، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین.
۳۸. معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۵ق، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۹. مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ق، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۶ - ۱۳۵۳، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۴۱. میبدی، رشید الدین، ۱۳۷۱، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر.